

هشدار رئیس قوه قضاییه به همه عناصری که در سودای تهدید امنیت مردم هستند



رئیس قوه قضاییه با اشاره به شرایط جنگی و روزهای پایانی سال به همه عناصری که در سودای تهدید امنیت مردم هستند، هشدار داد و گفت: اختطاری کنیم که دست از پا خطا نکنند و بدانند که در صورت اقدام به تهدید امنیت مردم، با اقدام محکم قانونی مواجه می‌شوند.
به گزارش اقتصادسرآمد از مرکز رسانه قوه قضاییه، حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی اژه‌ای در ادامه بازدیدها و سرکشی‌های مستمر و مداوم خود از مراجع و مراکز قضایی، از یکی از مجتمع‌های قضایی پایتخت بازدید کرد و با کارکنان و مسئولان آن واحد قضایی و چند نفر از مراجعان به گفت‌وگو پرداخت.
رئیس قوه قضاییه در خلال این بازدید، اظهار کرد: با توجه به اینکه در شرایط جنگی به سر می‌بریم و از سویی دیگر، روزهای پایانی سال و تعطیلات نوروز را در پیش داریم، به همه عناصری که در سودای تهدید امنیت مردم هستند، اختطاری می‌کنیم که دست از پا خطا نکنند و بدانند که در صورت اقدام به تهدید امنیت مردم، با اقدام محکم قانونی مواجه می‌شوند و هیچ‌گونه تسامح و گذشتی در قبال این عناصر وجود نخواهد داشت.

قاضی القضاات تصریح کرد: وفق قانون موسوم به «تشدید مجازات جاسوسی»، دستور قضایی در مورد ضبط و توقیف اموال مرتبط با برخی از افرادی که به همکاری با رژیم‌های مجاوز آمریکا و اسرائیل مبادرت کرده‌اند صادر شده است و این روند، ادامه خواهد داشت.

رئیس دستگاه قضا گفت: به موجب قانون موسوم به «تشدید مجازات جاسوسی»، مصادره اموال، یکی از مجازات‌های مقرر در قبال عناصری است که به اقدام عملیاتی و هرگونه فعالیت اطلاعاتی یا جاسوسی به نفع رژیم صهیونیستی یا گروه‌ها و دولت‌های متخاصم از جمله دولت ایالات متحده آمریکا می‌پردازند.
محسنی اژه‌ای اضافه کرد: مجازات دیگر مقرر در این فقره، اعدام است؛ قطعاً پس از بررسی‌ها و رسیدگی‌های متفن قضایی، یکی از مجازات‌های قانونی ششامل حال مجرمان مشمول خواهد شد و در این فقره، اغماض و ممانداتی صورت نخواهد گرفت.

قاضی القضاات خاطرنشان کرد: کارکنان قضایی همپای سایر گروه‌ها و کارکنان خدمات‌رسان به مردم از جمله کادر درمان، گروه‌های امدادی، کارمندان بانک و غیره، حتی در شرایط جنگی نیز در صحنه خدمت به مردم حاضر هستند و میدان را ترک نکرده‌اند؛ جهاد همه این خدمتگزاران بسه مردم، قطعاً نسزد خداوند مآجور است و آنان در جهاد مستمر و غیورانه نیروهای نظامی، امنیتی، انتظامی، بسیجی ما شریک هستند.براساس این گزارش، رئیس قوه قضاییه در جریان بازدید خود از این مجتمع قضایی با تعدادی از مسردم مراجعه‌کننده و اصحاب پرونده‌ها به گفت‌وگو مستقیم و بدون واسطه پرداخت و ضمن استماع مطالب و دغدغه‌های آنان، در چارچوب قانون و مقررات، دستوراتی را برای رسیدگی به پرونده‌های آنها صادر کرد.



سرتیبه گروه راهبردی – مرتضی فاخری – تنگه هرمز، این شریان حیاتی از آبراهی که قلب تپنده بازارهای جهانی انرژی محسوب می‌شود، همواره در کانون توجهات استراتژیک قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی قرار داشته است. موقعیت منحصربه‌فرد جغرافیایی این گذرگاه آبی، آن را به یکی از حساس‌ترین و در عین حال مهم‌ترین نقاط استراتژیک جهان تبدیل کرده است، به گونه‌ای که هرگونه تغییر در پویایی حاکم بسر آن، می‌تواند موجبات دگرگونی‌های عمیق در معادلات اقتصادی و سیاسی جهانی را فراهم آورد. در سال‌های اخیر، با تشدید فشارهای بین‌المللی و تحریم‌های یک‌جانبه علیه جمهوری اسلامی ایران، ضرورت بازنگری در راهبردها و اتخاذ رویکردهای نوین برای تثبیت جایگاه و تأمین منافع ملی در این منطقه حساس، بیش از پیش احساس شده است. ایران، به عنوان کشوری که بخش قابل توجهی از هویت تاریخی، توانمندی‌های اقتصادی و امنیت ملی خود را با این تنگه گره خورده می‌بیند، نیازمند تدوین و اجرای سیاست‌هایی است که ضمن حفظ اقتدار و حاکمیت خود، بتواند از ظرفیت‌های این آبراه استراتژیک به بهترین شکل ممکن بهره‌برداری نماید. این مهم، مستلزم نگاهی جامع به ابعاد مختلف ژئوپلیتیکی، اقتصادی، حقوقی و امنیتی موضوع است تا بتواند پاسخی درخور به چالش‌های پیش رو ارائه دهد و جایگاه خود را در نظم منطقه‌ای و جهانی تثبیت کند.

در همین راستا، مجموعه‌ای از ایده‌های خلاقانه و کاربردی برای مدیریت و بهره‌برداری از تنگه هرمز در دوران معاصر مطرح شده است که هر یک، ابعاد تازه‌ای از توانمندی‌ها و الزامات راهبردی ایران را به تصویر می‌کشند. این ایده‌ها، از دریافت هزینه‌های عبور از نفتکش‌های کشورهای متخاصم و مشروط کردن دسترسی به این آبراه به رفع تحریم‌های ظالمانه، تا تنظیم دقیق میزان تردد کشتی‌ها متناسب با سهم صادراتی ایران و گستر زدن عبور و مرور به قطعه‌نامه‌های بین‌المللی، طیف وسیعی از راهکارهای بالقوه را در بر می‌گیرند. علاوه بر این، ابتکاراتی چون ایجاد یک سازوکار امنیتی-اقتصادی و منطقه‌ای با مشارکت کشورهای همسایه و حتی ممنوعیت عبور کشتی‌های عازم به مقصد رژیم صهیونیستی، نشان‌دهنده عمق تفکر راهبردی در جهت صیانت از منافع ملی و تأمین امنیت پایدار در این آبراه حیاتی است. بررسی دقیق و موشکافانه این ایده‌ها، ضمن آشکار ساختن ظرفیت‌های بالقوه ایران، می‌تواند مبنایی محکم برای تدوین سیاست‌های آتی و ارتقاء جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی کشور فراهم آورد و راه را برای دستیابی به اهداف کلان اقتصادی و سیاسی هموار سازد.

تحلیل اقتصادی و ژئوپلیتیکی تنگه هرمز

تنگه هرمز، به عنوان یکی از حیاتی‌ترین نقاط ترانزیتی جهان، نقشی بی‌بدیل در امنیت انرژی و جریان تجارت جهانی ایفا می‌کند و همواره کانون توجهات ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. این آبراه استراتژیک، نه تنها گذرگاه اصلی برای بخش عمده‌ای از نفت و گاز صادراتی منطقه خاورمیانه به بازارهای جهانی است، بلکه به مثابه یک اهرم فشار بالقوه و یک دغدغه امنیتیسی دائمی، به معادلات سیاسی و اقتصادی منطقه و فراتر از آن تأثیرگذار بوده است. در شرایط کنونی که جمهوری اسلامی ایران با چالش‌های



چندوجهی ناشی از تحریم‌های اقتصادی و فشارهای بین‌المللی روبروست، درک عمیق و تحلیل همه‌جانبه پیوند میان تنگه هرمز، جریان تجارت انرژی و سازوکارهای تحریمی، اهمیتی دوچندان یافته است. این تنگه، در بطن خود، گره‌گاه منافع اقتصادی، اهداف سیاسی و الزامات امنیتی را در بر دارد و هرگونه دستکاری در پویایی حاکم بر آن، می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای اقتصاد جهانی، ثبات منطقه‌ای و به ویژه موقعیت راهبردی ایران به همراه داشته باشد. توانایی ایران در مدیریت این گذرگاه آبی، نه تنها به امنیت انرژی جهانی گره خورده است، بلکه مستقیماً با توانایی آن در مقابله با فشارهای اقتصادی و تأمین منافع ملی خود ارتباط پیدا می‌کند. از این رو، تحلیل اقتصادی و ژئوپلیتیکی تنگه هرمز، مستلزم بررسی دقیق چگونگی تعامل این سه عنصر کلیدی –تحریم‌ها، تجارت انرژی و امنیت تنگه – و درک این نکته است که چگونه هرگونه تغییر در یکی از این مؤلفه‌ها، بر دیگری تأثیر گذاشته و مسیر ی نوین را در سیاست خارجی و اقتصادی ایران ترسیم می‌نماید. بنابراین، باید با تمرکز بر ابعاد اقتصادی و سیاسی، سعی در روشن ساختن این روابط پیچیده و شناسایی ظرفیت‌های ایران برای بهره‌برداری مؤثر از موقعیت منحصربه‌فرد خود در این گذرگاه حیاتی نمود. تأثیرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد ملی و بین‌المللی، به ویژه در حوزه انرژی، یکی از محورهای اصلی در تحلیل ژئوپلیتیکی تنگه هرمز محسوب می‌شود. این تحریم‌ها، که غالباً با هدف محدود کردن منابع مالی و توانایی‌های عملیاتی کشورها اعمال می‌شوند، به طور مستقیم بر توانایی ایران در صادرات نفت و گاز و در نتیجه، بر درآمدهای ارزی آن تأثیر می‌گذارند. در مقابل، تنگه هرمز به عنوان یک نقطه کلیدی در زنجیره تأمین جهانی انرژی، به ایران این امکان را می‌دهد که از موقعیت استراتژیک خود به عنوان یک اهرم فشار اقتصادی علیه کشورهایی که سیاست‌های خصمانه اتخاذ می‌کنند، استفاده نماید. این اهرم فشار می‌تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد، از جمله محدود کردن یا قطع کامل جریان نفت، افزایش هزینه‌های حمل و نقل دریایی، یا ایجاد اختلال در مسیرهای تجاری حیاتی. بنابراین، درک چگونگی تعامل میان محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها و پتانسیل‌های راهبردی تنگه هرمز، برای تدوین سیاست‌های مؤثر اقتصادی و امنیتی ایران، امری حیاتی است. این تحلیل، به بررسی عمیق این موضوع می‌پردازد که چگونه ایران می‌تواند با اتکا به کنترل خود بر این آبراه، بخشی از فشارهای اقتصادی تحمیلی را خشتی کرده و منافع ملی خود را در بستر چالش‌های منطقه‌ای و جهانی حفظ و ارتقا بخشد. همچنین، بررسی خواهد شد که چگونه جریان تجارت نفت و گاز جهانی، که بخش عمده آن از این تنگه عبور می‌کند، می‌تواند تحت تأثیر این تنش‌های ژئوپلیتیکی قرار گیرد و چه پیامدهایی برای بازارهای جهانی انرژی و اقتصاد کشورهایی که به این منابع وابسته‌اند، خواهد داشت.

مدل سازی هزینه-فایده راهبردهای ایران در تنگه هرمز

مدیریت راهبردی تنگه هر مز، به ویژه در بستر چالش‌های اقتصادی و امنیتی فزاینده، مستلزم اتخاذ رویکردهایی است که ضمن تضمین منافع ملی، کمترین هزینه و بیشترین فایده را برای جمهوری اسلامی ایران به ارمغان آورد. در این میان، ارزیابی دقیق و کمی راهبردهای پیشنهادی، از منظر مدل‌سازی هزینه-فایده، اهمیتی حیاتی می‌یابد. این رویکرد تحلیلی، به ما امکان می‌دهد تا فراتر از ملاحظات سیاسی و نظامی صرف، به سنجش واقع‌بینانه پیامدهای اقتصادی هر گزینه بپردازیم. از ایده‌هایی چون دریافت عوارض از شناورهای عبوری، مشروط کردن تردد به لغو تحریم‌ها، تنظیم عبور بر اساس سهم صادرات ایران، یا حتی ایجاد سازوکارهای امنیتی – اقتصادی منطقه‌ای، هر کدام با مجموعه‌ای از هزینه‌ها، منافع و ریسک‌های خاص خود همراه هستند. تحلیل هزینه-فایده، چارچوبی جامع برای مقایسه این گزینه‌ها فراهم می‌آورد؛ احتمالی بر جریان تجارت جهانی، و واکنش‌های بین‌المللی، همگی باید در این مدل لحاظ گردند. به همان میزان، منافع بالقوه ناشی از اجرای هر راهبر، از جمله افزایش درآمدهای ارزی، تقویت قدرت چانه‌زنی ایران، تأمین امنیت پایدار منطقه‌ای، و بهبود جایگاه ژئوپلیتیکی کشور، باید به دقت ارزیابی شود. این مدل‌سازی، با تکیه بر داده‌های اقتصادی، آمارهای تجاری، و پیش‌بینی‌های مبتنی بر تحلیل‌های اقتصادی، تصویری شفاف از صرفه و صلاح هر راهبرد ارائه می‌دهد و به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا با آگاهی کامل، تصمیمات بهینه‌تری اتخاذ نمایند. پیچیدگی‌های موجود در این حوزه، از نوسانات بازارهای جهانی انرژی گرفته تا تحولات ژئوپلیتیکی غیرقابل پیش‌بینی، ایجاب می‌کند که این ارزیابی‌ها با دقت فراوان و با در نظر گرفتن سناریوهای مختلف صورت پذیرد.

پرداختن به جزئیات مدل‌سازی هزینه-فایده راهبردهای مرتبط با تنگه هرمز، نیازمند بررسی دقیق شاخص‌های کمی و کیفی است. به عنوان مثال، در مورد ایده دریافت عوارض، باید

هزینه‌های ایجاد زیرساخت‌های لازم برای پایش و دریافت، هزینه‌های اداری و اجرایی، و همچنین احتمال کاهش حجم تردد در صورت بالا بودن این عوارض، در مقابل منافع حاصل از افزایش درآمد مستقیم، مورد سنجش قرار گیرد. اگر این عوارض با هدف جبران هزینه‌های تأمین امنیت تنگه از سوی ایران وضع شوند، باید مکانیزم محاسبه این هزینه‌ها نیز شفاف و قابل دفاع باشد. در سوی دیگر، مشروط کردن عبور به لغو تحریم‌ها، اگرچه از منظر فشار سیاسی قدرتمند است، اما نیازمند تحلیل دقیق ریسک‌های اقتصادی ناشی از احتمال بروز تنش‌های شش‌دیدتر و تشدید انزوای بین‌المللی است. همچنین، باید بررسی شود که آیا این اهرم فشار، به طور مؤثری منجر به لغو تحریم‌ها خواهد شد یا خیر. راهبردهای دیگری چون تنظیم تردد بر اساس سهم صادرات ایران، نیازمند مدل‌سازی پیچده‌ای است که سهم مطلوب ایران از صادرات انرژی منطقه را تعیین کرده و سپس مکانیزم اجرایی آن را مشخص نماید. این رویکرد، با وجود آنکه می‌تواند منافع اقتصادی ایران را افزایش دهد، اما ریسک ایجاد تنش با سایر کشورهای تولیدکننده نفت و مصرف‌کنندگان عمده انرژی را به همراه دارد. ایجاد سازوکارهای امنیتی-اقتصادی و منطقه‌ای، اگرچه چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای برای همکاری و کاهش تنش ارائه می‌دهد، اما اجرای آن مستلزم توافق گسترده میان بازیگران متعدد منطقه با منافع گاه متضاد است و هزینه‌های دیپلماتیک و سیاسی قابل توجهی را می‌طلبد. بنابراین، ارزیابی جامع این راهبردها، با استفاده از روش‌های کمی مانند تحلیل حساسیت، تحلیل سناریو، و محاسبه خالص ارزش فعلی (NPV) یا نرخ بازگشت سرمایه (IRR) برای پروژه‌های مرتبط، می‌تواند چراغ راه سیاست‌گذاران برای انتخاب مسیری بهینه و پایدار در مدیریت این گذرگاه حیاتی باشد.

نقش تنگه هرمز در زنجیره تأمین جهانی انرژی

تنگه هرمز، به عنوان یکی از استراتژیک‌ترین آبراه‌های جهان، نقشی حیاتی و گریزناپذیر در پیکره‌بندی زنجیره تأمین جهانی انرژی ایفا می‌کند. حجم عظیم نفت خام و گاز طبیعی که روزانه از این تنگه باریک عبور می‌کند، آن را به یک گلوگاه حیاتی تبدیل کرده است؛ به گونه‌ای که هرگونه اختلال یا وقفه در جریان عبور و مرور شناورها در این منطقه، می‌تواند بازتابی فوری و عمیق بر بازارهای جهانی انرژی داشته باشد. این وابستگی متقابل، تنگه هرمز را به محلی بـرای فرصت‌ها و در عین حال، تهدیدهای جدی برای اقتصادهای ملی و منطقه‌ای، بـه ویژه اقتصاد ایران و بازارهای نوظهور، بدل ساخته است. از یک سو، موقعیت منحصربه‌فرد ایران در مجاورت این تنگه، پتانسیل قابل توجهی برای اعمال نفوذ و کسب منافع اقتصادی و ژئوپلیتیکی فراهم می‌آورد. توانایی ایران در مدیریت و کنترل جریان انرژی از طریق این آبراه، می‌تواند به عنوان یک اهرم فشار استراتژیک در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی عمل کند و فرصت‌هایی برای تقویت جایگاه اقتصادی و سیاسی کشور ایجاد نماید. از سوی دیگر، همین وابستگی جهانی به این تنگه، آن را به هدفی بالقوه برای تنش‌ها و درگیری‌ها تبدیل کرده و هرگونه بی‌ثباتی در منطقه، می‌تواند تهدیدی جدی برای ثبات بازارهای جهانی، افزایش ناگهانی قیمت نفت و گاز، و در نهایت، لطمه به رشد اقتصادی کشورهایی باشد که به شدت به واردات انرژی وابسته هستند. این وابستگی، ریسک‌های اقتصادی و امنیتی قابل توجهی را متوجه اقتصاد ایران نیز می‌سازد؛ چرا که هرگونه تنش نظامی یا تشدید تحریم‌ها، می‌تواند جریان صادرات انرژی ایران را مختل کرده و فرصت‌های اقتصادی ناشی از موقعیت تنگه را به تهدیدی ویرانگر بدل سازد. بنابراین، درک این دینامیک پیچیده، نیازمند تحلیلی جامع از نقش تنگه هرمز در زنجیره تأمین انرژی جهانی و شناسایی دقیق فرصت‌ها و تهدیدهایی است که متوجه اقتصاد ایران و سایر بازیگران منطقه‌ای و جهانی می‌باشد.

بررسی دقیق تأثیرات اختلالات احتمالی در تنگه هرمز بر بازارهای جهانی انرژی، مستلزم نگاهی عمیق به سازوکارهای قیمت‌گذاری نفت و گاز و میزان وابستگی اقتصادهای بزرگ به جریان پایدار انرژی از این منطقه است. هرگونه حادثه، تنش نظامی، یا اقدام محدودکننده در تنگه هرمز، می‌تواند به سرعت منجر به افزایش تنش در بازارهای جهانی، واکنش‌ها و هیجانی معامله‌گران، و در نتیجه، جهش قابل توجه در قیمت نفت خام و سایر حامل‌های انرژی شود. این افزایش قیمت‌ها، نه تنها قدرت خرید مصرف‌کنندگان در سراسر جهان را کاهش می‌دهد، بلکه هزینه‌های تولید و حمل و نقل را برای صنایع مختلف افزایش داده و می‌تواند به تورم جهانی دامن بزند. برای اقتصاد ایران، این موقعیت دو وجهی است؛ در حالی که اختلال در تنگه می‌تواند قیمت نفت را بسالا ببرد و به طور بالقوه درآمدهای صادراتی ایران را افزایش دهد، اما همزمان، ریسک تشدید تحریم‌ها، ایجاد موانع جدید بر سر راه صادرات، و یا حتی آسیب به زیرساخت‌های حیاتی انرژی را به همراه دارد. همچنین، بازارهای نوظهور که غالباً به شدت به واردات انرژی وابسته‌اند، در صورت بروز اختلال در تنگه هرمز، با چالش‌های جدی اقتصادی روبرو خواهند شد؛ از کسری تراز تجاری گرفته تا کندی رشد اقتصادی.

از سوی دیگر، این تنگه می‌تواند فرصت‌هایی را نیز برای ایران و سایر کشورهای منطقه فراهم آورد. همکاری‌های منطقه‌ای برای تضمین امنیت و ثبات تنگه، می‌تواند منجر به ایجاد سازوکارهای پایدارتر برای تجارت انرژی، کاهش ریسک‌های امنیتی، و جذب سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در بخش انرژی شود. همچنین، ایران می‌تواند با اتکا به موقعیت

«سرآمد» بررسی می‌کند؛

«کنترل هرمز» کنترل اقتصاد جهانی

واکاوی چشم‌انداز حقوقی و دیپلماتیک راهبردهای تنگه هرمز

ژئوپلیتیکی خود، در مذاکرات بین‌المللی پیرامون امنیت انرژی نقش پررنگ‌تری ایفا کند و از این طریق، منافع ملی خود را تأمین نماید. تحلیل این فرصت‌ها و تهدیدها، نیازمند بررسی مو شکافانه روند جریان انرژی، پیش‌بینی روندهای آتی تقاضا و عرضه، و ارزیابی دقیق پیامدهای ژئوپلیتیکی تحولات منطقه‌ای است تا بتوانان راهبردهایی مؤثر برای مدیریت این گلوگاه حیاتی تدوین نمود.

چشم‌انداز حقوقی و دیپلماتیک راهبردهای تنگه‌هرمز

نگاهی عمیق به چشم‌انداز حقوقی و دیپلماتیک راهبردهای مرتبط با تنگه هرمز، ابعاد پیچیده‌ای از حقوق بین‌الملل دریاه‌ا، مناسبات ژئوپلیتیکی و ضرورت دیپلماسی فعال منطقه‌ای را آشکارا می‌سازد. موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال تردد در این آبراه حیاتی، بر پایه اصول حقوق بین‌الملل دریاه‌ا، به ویژه مفاد کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاه‌ا (UNCLOS)، استوار است. این کنوانسیون، ضمن شناسایی حقوق دولت ساحلی در آب‌های سرزمینی خود، حق عبور بی‌ضرر برای کشتی‌های سایر دولت‌ها را نیز به رسمیت می‌شناسد، اما در عین حال، این حق را مقید به عدم تهدید صلح، نظم عمومی یا امنیت دولت ساحلی می‌داند. هرگونه راهبرد عملیاتی که ایران در تنگه هرمز اتخاذ کند، از جمله دریافت عوارض، تنظیم تردد، یا اعمال محدودیت‌های خاص، باید با دقت از منظر انطباق با این چارچوب حقوقی مورد ارزیابی قرار گیرد تا از پیامدهای حقوقی ناخوسته و احتمال طرح دعای بین‌المللی اجتناب شود. به ویژه، ایده مشروط کردن تردد به قطعه‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، مستلزم بررسی دقیق جایگاه و اختیارات این شورا در قبال آبراه‌های بین‌المللی و همچنین پیامدهای حقوقی و سیاسی اتخاذ چنین رویکردی است. در حالی که شورای امنیت می‌تواند بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد، اقداماتی را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تجویز کند، اما اعمال محدودیت‌های یک‌جانبه و مشروط‌سازی تردد بر اساس این قطعه‌نامه‌ها، می‌تواند با چالش‌های تفسیری و اجرایی فراوانی روبرو شود و احتمال ایجاد تنش‌های حقوقی و دیپلماتیک را افزایش دهد. در این میان، دیپلماسی منطقه‌ای نقشی حیاتی ایفا می‌کند. ایجاد سازوکارهای امنیتی-اقتصادی و منطقه‌ای، به منظور تضمین امنیت پایدار و منافع مشترک همه کشورهای حاشیه خلیج فارس، از جمله ایران، می‌تواند راهکاری مؤثر برای مدیریت اختلافات و کاهش ریسک‌های امنیتی باشد. چنین سازوکارهایی، فراتر از چارچوب‌های حقوقی صرف، به ایجاد اعتماد متقابل، همکاری‌های عملیاتی و تدوین قواعد رفتاری مشترک در تنگه هرمز کمک کرده و از تبدیل شدن این آبراه به صحنه تنش‌های بین‌المللی جلوگیری می‌کند.

تلاش برای ایجاد یک سازوکار امنیتی-اقتصادی منطقه‌ای در تنگه هرمز، با هدف تبدیل این گلوگاه حیاتی-ا منطقه‌ای بالقوه برای تنش به کانونی برای همکاری پایدار، نیازمند رویکردی چندوجهی و دیپلماتیک است. این رویکرد باید بتواند منافع امنیتی و اقتصادی تمامی کشورهای منطقه، از جمله ایران، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و سایر بازیگران کلیدی را در بر گیرد. موقعیت چندین ابتکاری، مستلزم غلبه بر بی‌اعتمادی‌های تاریخی و ایجاد بستری برای گفتگو و تفاهم مشترک پیرامون مسائلی چون امنیت دریانوردی، حفظ جریان آزاد تجارت انرژی، و مدیریت بحران‌های احتمالی است. در منظر حقوقی، این سازوکار می‌تواند به تدوین قواعد و پروتکل‌های جدیدی منجر شود که مکمل حقوق بین‌الملل دریاه‌ا بوده و به طور خاص، نیازهای امنیتی و اقتصادی منطقه را پوشش دهد. گره زدن تردد شناورها به قطعه‌نامه‌های شورای امنیت، در حالی که می‌تواند به عنوان ابزاری برای اعمال فشار یا تضمین اجرای تعهدات بین‌المللی تلقی شود، اما در صورت عدم همراهی و اجماع منطقه‌ای، ممکن است به تشدید تنش‌ها و انزوای بیشتر ایران منجر گردد. بنابراین، دیپلماسی فعال و هوشمندانه، با هدف ایجاد اجماع منطقه‌ای و جلب حمایت جامعه بین‌المللی، نقشی تعیین‌کننده در موفقیت هرگونه راهبرد در تنگه هرمز ایفا خواهد کرد. این دیپلماسی باید بتواند منافع پایدار و مشترک را بر جرسته سازد و نشان دهد که همکاری در این منطقه، نه تنها به نفع ایران، بلکه برای ثبات بازارهای جهانی انرژی و رشد اقتصادی تمام کشورهای حاشیه خلیج فارس، امری ضروری است. طرح ایده‌هایی چون ایجاد مناطق امن دریایی، کمیته‌های مشترک پایش و هشدار، و یا سازوکارهای حل و فصل اختلافات، می‌تواند گام‌های عملی در جهت تحقق این هدف باشد. بنابراین، موفقیت در این حوزه، در گرو تعادلسی ظرف میان اعمال اقتدار مبتنی بر حقوق بین‌الملل، بهره‌گیری از فرصت‌های ژئوپلیتیکی، و تلاش مستمر برای تقویت دیپلماسی و همکاری‌های منطقه‌ای خواهد بود.

سخن آخر آنکه، با توجه به تحلیل‌های ارائه شده در خصوص ابعاد اقتصادی، ژئوپلیتیکی، حقوقی و دیپلماتیک راهبردهای ایران در تنگه هرمز، می‌توان نتیجه گرفت که دستیابی به منافع پایدار و تضمین امنیت در این آبراه حیاتی، نیازمند اتخاذ رویکردی جامع، چندوجهی و مبتنی بر همکاری است. تلفیق هوشمندانه قدرت بازدارندگی، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل، و مهم‌تر از همه، تلاش مستمر برای ایجاد اجماع و همکاری منطقه‌ای از طریق دیپلماسی فعال، کلید عبور از چالش‌های موجود و تبدیل تنگه هرمز به کانونی برای ثبات و شکوفایی خواهد بود؛ رویکردی که منافع همه بازیگران را در نظر گرفته و از تبدیل شدن این گلوگاه استراتژیک به عرصه‌ای برای تنش‌های بی‌حاصل جلوگیری می‌کند.



فریب‌عیزی - اقتصاد سرآمد